

## رفتار غیرانسانی با کودکان

عزیز عیساپور

کودک آزاری، پدیده‌ای است امرانه و یا از روی غفلت رخ می‌دهد که منتج به ضرب و جرح و تهدید به کودکان است. کودک آزاری در کشورمان در شکل‌های تنبیهات بدنی نمود پیدا کرد که با شلاق زدن، حبس یا در سیاه‌چال نگاه داشتن، گرسنگی دادن و... همراه بود و با تاسف، برخی کودکان، چنان قربانی خشم پدران خویش واقع می‌شدند که انگار می‌خواهند تسویه حساب مشخصی با فرزندان کنند.

بازخوانی پرونده‌های حقوقی و جنایی، از قتل و شکنجه و کودک آزاری ما را به شناخت صحیح مناسبات اجتماعی در جامعه‌ی ما که برآیند آسیب‌ها و فراز و فرود روحیه‌ی ملت‌بند و متقلب خانواده آشنا ساخته و تامل در این‌گونه حوادث ناخوشایند بدون شک انگیزه‌هایی را در پی داشته که سبب تنش و بروز خشونت آن‌ها شده‌اند. کودکان این نسل سرکوب‌شونده، که مورد حمله‌ی وحشیانه‌ی برخی اولیا قرار می‌گیرند و دستشان از هر جایی جز فرار از خانه، کوتاه است، به کجا روند و به‌کی شکایت برند؟ چگونه از خود در مقابل وضعیت ناهنجار اقتصادی خانواده‌ها، عصبانیت، خستگی و کم‌حوصله‌گی پدر و... دفاع کنند؟

روزنامه‌ای نیست که هر روز گزارش تلخی از پدیده‌ی کودک آزاری و رفتار غیرانسانی پدران و برخی افراد را در خود منعکس نکند. این‌جا و آن‌جا در صفحه‌های حوادث، مشحون است از شکنجه، قتل و تجاوز به‌عنف با این پدیده‌ی شوم. انگیزه‌ی این پدیده‌ی شوم را در تزلزل خانواده‌ها، عقب‌ماندگی و فقر اقتصادی - فرهنگی، اعتیاد، اختلال‌های روانی، نارسایی‌های قانون‌های موجود و غیر آن باید دانست.

در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، که یکی از دست‌آوردهای انسان در سده‌ی بیستم است، در بندهای مختلف به‌حقوق کودک توجه شده است: «در دوم سپتامبر ۱۹۹۰، معاهده‌ی حقوق کودک پس از تصویب در مجمع عمومی ملل متحد در نوامبر ۱۹۸۹ به‌اجرا گذاشته شد. و ۱۹۰ کشور (از جمله ایران) آن را امضا کرده‌اند. دولت‌های عضو این پیمان متعهد می‌شوند که تمام اقدام‌های لازم را برای اجرای حقوق ذکر شده در آن انجام دهند و در درجه‌ی اول به‌منافع عالی کودک توجه کنند. این معاهده به‌مسائل متعددی می‌پردازد و اهمیت زندگی خانوادگی برای

کودک را نیز دربر می‌گیرد. در عین حال به مهم‌ترین حقوقی که هر کودک از تولد تا سن ۱۸ سالگی به آن نیازمند است توجه شده است. (لیالوین - پرسش و پاسخ درباره‌ی حقوق بشر - برگردان پوینده صفحه‌ی ۶۵).

بهره‌کشی از کار کودکان که گاه با فروش آنان همراه است و تعداد بسیاری از کودکان مجبورند که از سنین پایین کار کنند، با کمال تأسف در اغلب موارد شرایط کار آنان بسیار بد، و دستمزدها ناچیز، حتا هیچ هستند.

«هنوز در قانون ما سن کودک مشخص نیست، قانون‌های متناقضی داریم که دوره‌ی کودکی را در ابهام برده است. حق پدری و جد پدری به‌جان کودک و یک جانبه بودن حق حضانت از جمله مشکلات حقوقی هستند که کودک ما را آزار می‌دهد. هنوز در کشورمان نزدیک به ۱/۵ میلیون کودک ۷ تا ۱۰ سال داریم که پایشان به مدرسه باز نشده است. افت تحصیلی در ایران نزدیک به ۷۰ درصد است و ۶۰ درصد کودکان ما دچار بدی تغذیه هستند. میلیون‌ها کودک کارگر در زیر ۱۵ سال مشغول به کار هستند که هیچ کدام بیمه نیستند. هنوز به‌سیاق برده‌داری کودکان ما خرید و فروش می‌شوند، تنها خدا می‌داند که چند درصد کودکان ما در خانه‌ها یشان کتک نمی‌خورند.» - (ماهانامه‌ی آدینه، شماره‌ی ۱۳۵، صفحه‌ی ۲۲).

دیگر چیزی به یک صد سال نمانده که از تاریخ تاسیس مجلس مقننه در کشورمان ایران می‌گذرد، و در طول این یک سده، مجلس فراز و فرودهای بسیاری را گذرانده است. ایران بین دو انقلاب، هزینه‌های سنگینی را پرداخته است ولی با تأسف هنوز هم در دلان‌های تاریک و دراز حقوقی به‌سر می‌بریم و قانون‌ها با اصل خویش مغایرت دارد: «یکی از علت‌های افزایش قتل‌های خانوادگی با کمال تأسف وجود ماده‌ی ۲۲۰ است، نتیجه آن شده که به‌جای این که شخص به‌محکمه مراجعه کند خودش در جایگاه قاضی قرار گرفته و تصمیم می‌گیرد برای نمونه دخترش را می‌کشد. ماده‌ی ۲۲۰ طبق قانون شرع ما شکل گرفته است. آیا به‌این صورت امکانی برای تجدیدنظر کردن در آن وجود دارد؟ ماده‌ی ۲۲۰ با اصل ۱۹ و ۲۰ قانون مجازات اسلامی مغایرت دارد. کنترل این که نباید قانون‌های عادی با قانون اساسی مغایرت داشته باشد از وظایف شورای نگهبان است و با توجه به‌این که مردم دارای حقوق متساوی هستند این تبعیض نابه‌جایی که به‌پدر و جد پدری داده شده، برخلاف اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی است. رییس نهاد قوه‌ی قضاییه در مصاحبه‌ی مطبوعاتی خود عنوان کرده بود که طبق قانون پدر و جد پدری حق تادیب کودک را در حد حرف دارند. در قانون عرف تادیب کودک چه میزان تعیین شده است؟ عرف از شرع گرفته می‌شود، در دستور شرع نیز تنبیه‌های بدنی سخت مجاز نبوده است. در شرع نیز ضربه‌ای به‌نرمی بر بدن کودک مجاز قلمداد شده است. امروز، تنبیه بدنی را روان‌شناسان مجاز نمی‌دانند.» (وقایع اتفاقیه - یکشنبه ۳۱ خرداد ۸۳).

تعداد کودکانی که همه روزه در کشور ما از سوی والدین خود مورد آزار و اذیت قرار

می‌گیرند، رو به‌فزونی است.

پدری ۳۶ ساله دختر ۹ ساله‌ی خود را سر می‌برد. مردی جوان، دختر ۱/۵ ساله‌اش را با بالش خفه می‌کند. از اوایل سال ۸۲ خبر دزدیده شدن ۲۳ دختر بچه بین سنین ۶ تا ۱۲ سال در شهر تبریز، نگرانی‌های پدران و مادران را بیش‌تر کرد. تا این‌که در هفدهم تیرماه، مأموران آگاهی مرد متاهلی به‌نام رضا ستاری را در حین آزار و اذیت یک دختر بچه‌ی ۷ ساله دستگیر کردند. وی در جریان بازجویی‌ها به‌بزه انتسابی خود اعتراف کرد.

ایران شریفی، نامادری که در اثر آزار و شکنجه‌های شوهر، دو دختر هروی خود به‌نام‌های حاجیه زهره و فاطمه را یکی‌یکی که از دبستان مرخص می‌شدند شکنجه و آزار داده و سپس آن‌ها را به‌قتل می‌رساند.

مژده دخترک ۴/۵ ساله‌ای که از بهزیستی شهریار تحویل گرفته بودند، به‌وسیله‌ی نامادری‌اش و هر دو به‌وسیله‌ی شوهر صیغه‌ای خود مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند. این پرونده با شکایت همین زن در دادگاه رباط کریم مورد بررسی است و با اصابت ضربه‌های ناشی از رشته سیم برق، کبود و دچار خونریزی شدیدی شده که در عکس نمایان است.

(روزنامه‌ی ایران، دوشنبه ۲۴ آذرماه ۸۲)

۹ مورد کودک‌آزاری در شهر مشهد در پرونده‌ی مرد عنکبوتی! فردی ۲۶ ساله در مشهد با داشتن زن و یک فرزند به‌نام ح.م، اقدام به‌آزار و اذیت کودکان زیر ده سال می‌کرد. متهم سابقه‌ی سوخت داشته است.

(روزنامه‌ی شرق، دوشنبه ۲۴ آذرماه ۸۲)

آرین گلشنی دختری بود که پدر و مادرش از یک‌دیگر جدا شده بودند و مادر هرچه تلاش کرده بود، نتوانسته بود که حضانت را از دادگاه بگیرد. این بچه نزد پدر باقی بود و در منزل پدر، بر اثر صدمات وارده فوت کرد.

(روزنامه‌ی یاس نو، دوشنبه ۲۲ دی‌ماه ۸۲)

زهرای ۴/۵ ساله در اثر تعرض ددمنشانه‌ی چند مرد، دچار ازاله‌ی بکارت و آسیب شدید داخلی شده بود. این اتفاق تلخ در شهرستان زنجان به‌وقوع پیوست. یک زن جوان، که از پرسنل بخش زنان بیمارستان ولی عصر زنجان بود، گفت این حوادث تأسف‌بار زیاد اتفاق می‌افتد و در طول سال گذشته، ما مراجعه‌ی خانواده‌های کودکان سه، چهار، و حتی یک کودک ۱/۵ ساله را دیدیم که پس از تعرض وحشیانه به‌این بیمارستان آورده شدند.

(روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه، ۲ اردیبهشت ۸۳)

کیانوش ابراهیمی در کلاس حضور داشت. وی آذربایجانی بود و پدر نداشت. سال اول

دیرستان بود. برای معالجه‌ی مادر نیاز به یک میلیون و دویست هزار تومان داشت، که برای تأمین آن با پیمانکار رفتگری یکی از ناحیه‌های شهرداری تهران بزرگ، قرارداد ماهی یک‌صد و بیست هزار تومان، به‌مدت یک سال می‌بندد. وی از ۶ بعدازظهر تا ۶ صبح شب‌ها کار می‌کرد و روزها به‌مدرسه می‌آمد که البته همراه بود با خواب‌آلودگی و بی‌حوصلگی. وی نمی‌توانست درس بخواند.

این گزارش، وضعیت رقت‌بار لیلا فتحی و خانواده‌ی اوست که از گفت و گوی خانم شیرین عبادی به‌تلخیص برگرفته شده است: لیلا فتحی دختر یازده ساله‌ای که به‌وسیله‌ی سه مرد مورد تجاوز قرار می‌گیرد و سپس او را به‌قتل می‌رسانند. پس از دادرسی‌های مفصل، یک متهم خود را کشت. دو متهم دیگر به‌قصاص محکوم شدند و این حکم تأیید شد و در مرحله‌ی اجرا به‌خانواده‌ی مقتول گفتند که مابه‌التفاوت دیه‌ی دو مرد را بدهید تا بتوانیم حکم را اجرا کنیم. قانون می‌گوید: اگر مردی ولو به‌عمد زنی را به‌قتل برساند و خانواده‌ی مقتوله پیش از قصاص آن نیمی از خون‌بهای قاتل را باید به‌او بپردازد. مابه‌التفاوت دیه‌ی دو مرد در آن زمان حدود ۵ میلیون تومان می‌باشد. این رقم زیادی بود. زیادتر از توانایی خانواده‌ی لیلا. پدر رفته بود تا کلیه‌ی خود را بفروشد. دکتر قبول نکرده بود. برادر رفت تا کلیه‌ی خود را بفروشد. دکتر وقتی فهمید این‌ها برای چه می‌خواهند چنین کاری کنند با رییس وقت قوه‌ی قضائیه صحبت کرد که مابه‌التفاوت دیه را شما بدهید تا مجبور نشوند کلیه‌ی خود را بفروشند. مابه‌التفاوت دو دیه کامل پرداخت شد. حکم آماده‌ی اجرا بود که دوباره هنگام اجرا، قانون دیگری مطرح شد که می‌گوید: هر وقت مشخص شود که حکمی ممکن است اشتباه باشد، دومرتبه می‌توان جلوی قانون را گرفت. این مساله مسکوت ماند و پس از آن که خانواده‌ی لیلا بی‌خانمان شده بودند و در خیابان چادر زده بودند زندگی می‌کردند پرونده دوباره برای رسیدگی رفت و این بار دادگاه اعلام کرد که متهمان بی‌گناه هستند. به‌این حکم اعتراض شد. حکم شکست و دومرتبه دادگاه وارد رسیدگی شد. این بار باز هم اعلام کرد که بی‌گناه هستند. باز اعتراض شد. این بار هیات علمی دیوان عالی کشور اعلام کرد که مورد از مورد‌های قسامه است. قسامه باید انجام شود که هم‌اکنون پرونده وارد هشتمین سال رسیدگی قرار دارد. هدف از پرونده‌ی لیلا این نیست که افرادی باید اعدام شوند، بلکه هدف نشان دادن این ماده از قانون است. بیش از ۸ سال است که این خانواده همه‌ی هستی خود را از دست داده‌اند. اما پرونده هنوز گشوده است. اگر این ماده‌ی قانون نبود دست‌کم خانواده‌ی لیلا فتحی سر‌خانه و زندگی خود بودند.

(روزنامه یاس نو، دوشنبه ۲۲ دی ماه ۸۲)

موردهای زیادی از کودک‌آزاری را یکی از آشنایان در یکی از بیمارستان‌ها تحقیق و گزارش

کرده که برخی از آن‌ها را در این جا می‌آورم:

دختر ۱۴ ساله‌ای به نام ربابه که برای زایمان به وسیله‌ی مادرش به بیمارستان آورده می‌شود، پس از زایمان مشخص می‌شود که پدر نوزاد پدر ربابه می‌باشد. مادر از موضوع خیر داشته و راهی جز سکوت نداشته است.

سه دختر بین سنین ۸ تا ۱۲ ساله به وسیله‌ی پدر مورد تجاوز قرار می‌گیرند. پدر از ناتوانی و پیری و بیماری مادر شکایت دارد. پس از تجاوز پدر به آخرین دختر، مادر پس از سه هفته تامل، سپس به پدر اعتراض می‌کند و با او به مشاجره می‌پردازد و بعد هر سه را به بیمارستان جهت معاینه می‌آورد.

کودک سه ساله به علت بدی تغذیه و سر و صدای ناشی از گریه‌های مکرر و ناآرامی به وسیله‌ی پدرش به حیات منزل پرت شده است. کودک به علت ضربه مغزی به بیمارستان آورده شد و مداوا سودی نبخشید و فوت می‌کند. مادر هیچ شکایتی نکرده. و اظهار داشت که پدر تازه از محیط کار برگشته بود و تحمل هیچ صدایی را نداشته است.

نازنین، دختر ۴ ساله‌ای که پدرش کارمند است و به مدازظهرها در خیابان‌ها با پیکان قراضه‌اش دنده می‌زند و مسافر جابه‌جا می‌کند، به علت سیلی زدن به گوش نازنین، طفل خردسال را به بیمارستان می‌آورند و تشخیص دکتر، پاره شدن پرده‌ی گوش نازنین است.

امیررضای ۱۲ ساله به وسیله‌ی پدر، ددمشانه تنبیه می‌شود. آرنج دست او شکسته شده و سرش ضربه می‌بیند. علت آن بازی در کوچه و شکستن شیشه‌ی همسایه است.

ماجرای مرگ امید، کودک ۹ ساله اهل رباط کریم به خاطر شکنجه‌های مادرش به بیمارستان آورده شد. اما دیر بود. وی به آغوش مرگ سپرده شد. پس از او، مژده‌ی کوچولو در شهر رباط کریم، مورد آزار ناپدری خودش قرار گرفت که تا قبل از بیمارستان جان سپرد.

گزارش‌های کودک‌آزاری، کار هر روزه‌ی صفحه‌های حوادث روزنامه‌ها است. به ویژه دو جوانی که نزدیک به سی کودک و نوجوان را پس از آزار و شکنجه در منطقه‌ی پاکدشت تهران، به قتل می‌رسانند، تکان‌دهنده است. دستگاه قضایی به این نتیجه رسید که قاتل یا قاتلان پیش از این دستگیر شده بودند و اما مسروران قضایی محل، به علت‌هایی به عمق جنایت این دست‌های آلوده پی نبرده بودند و امروز به عنوان سهل‌انگاری و غفلت در وظایف، در جایگاه خاطی نشسته و محاکمه می‌شوند!

تا زمانی که انباشت سرمایه، خیل عظیم بی‌کار، قانون‌های دست و پاگیر و نارسا و شعارهای اصلاح‌طلبانه بدون عمل و تبعیض در جامعه، حضوری مستمر و قوی داشته باشد، حوادث دلخراش و کودک‌آزاری و شکنجه و قتل حتی به دست اعضای خانواده‌ها، صفحه‌های روزنامه‌ها و صندلی‌های دادگاه را پر می‌کند.